

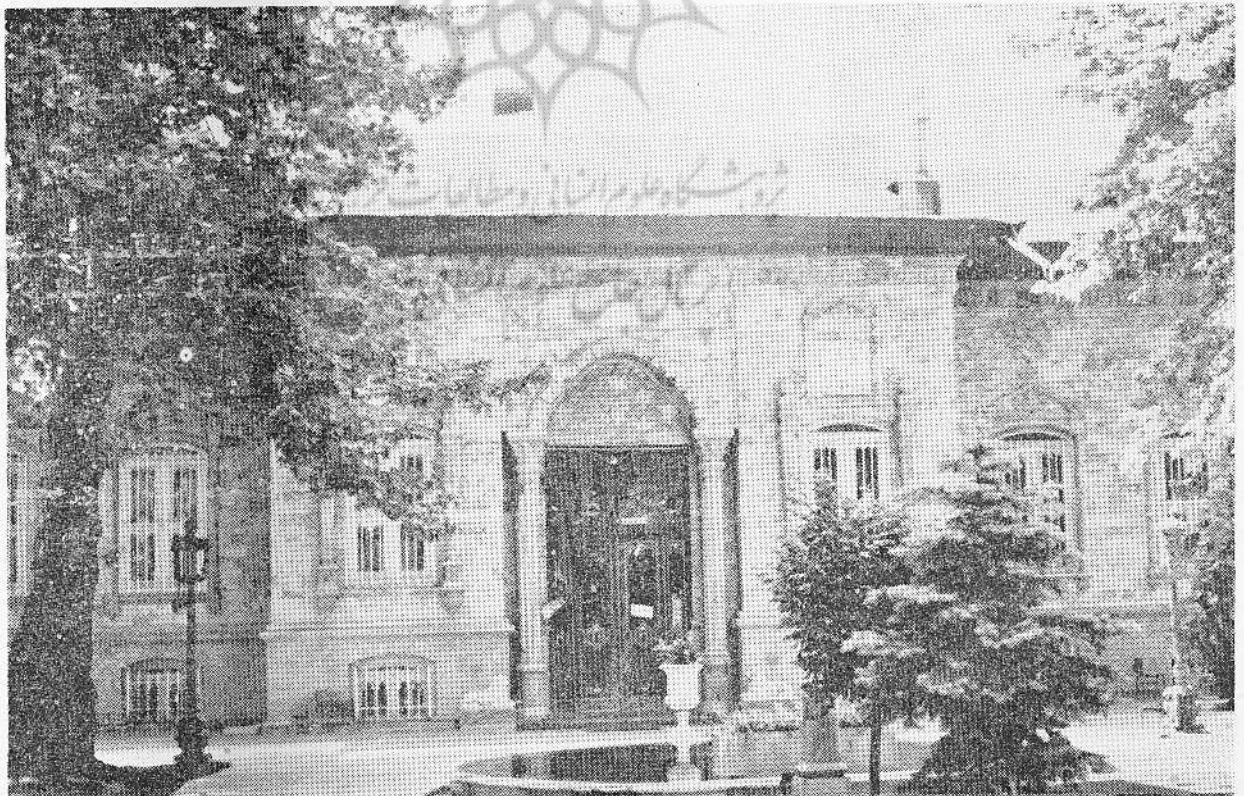
نگاهی به موزه‌های سبز

گروه تحقیق اداری کل موزه‌ها

و... مروری بر تاریخ تمدن بشری ما را با این واقعیت آشنا می‌کند که عرصه‌ی متحول هنر در ادوار مختلف به تناسب مشخصه‌ها و مناسبات موجود شکل پذیرفته است و اغلب در انحصار اشراف و حکومتگران و بیگانگان با مردم بوده است، مردمی که خود خالقین واقعی این هنر و تمدن بوده‌اند ولی در بطن زندگی اجتماعی بیگانه با آن می‌زیستند. شاهکارهای هنری باقی مانده از تمدن‌های دیرین

هنر در طول تاریخ حیات خود پیوسته دستخوش تحولاتی متأثر از شرایط مختلف اجتماعی زمان خویش بوده، چنین است که به‌منظور بررسی و شناخت ویژگی‌های هنر یک دوره‌ی مشخص از تاریخ، ابتدا لازم است شرایط اجتماعی آن زمان را شناخت، چه اعتقاد بر این است که خاستگاه اجتماعی هنر، چیزی نیست جز نیازهای گوناگون اجتماعی مردم از جمله، فرهنگ، سیاست، اقتصاد

نمای شمالی کاخ یا درب ورودی اصلی



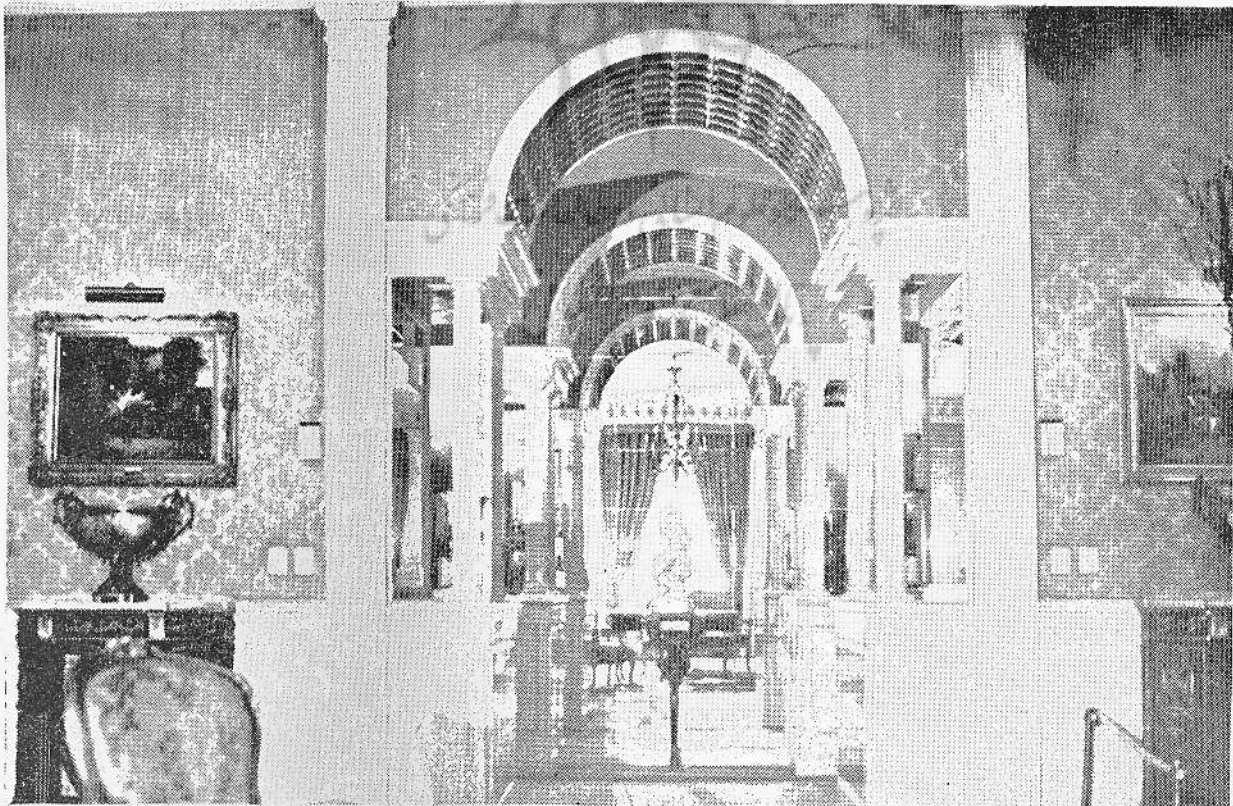
يك مجموعه‌ای است از بدیع‌ترین و زیباترین طرح‌های معماری و همچنین قصرهای باشکوه شاهان و سلاطین، تماماً حکایت از این دارد که آثار و ابنیه باقی مانده از تمدن‌های گذشته سندی است زنده از ستمی که طبقه‌ای و قشری که حاکمیت و قدرت را در دست داشته است، براکثرت محروم جامعه رواداشته، هم از جهت استثمار نیروی کار و تفکر آنها در ساختن چنین آثاری و هم از جهت سوء استفاده‌هایی که از این ابنیه و آثار در جهت تحمیق و بانفعال کشیدن مردم کرده‌اند.

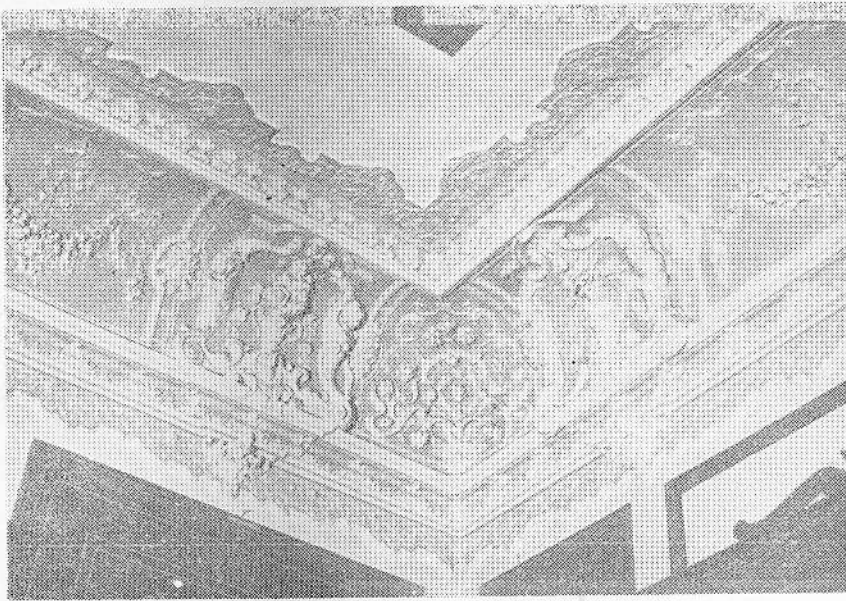
در زمان داریوش هخامنشی، تخت‌جمشید، با آن همه زیبایی خیره‌کننده، ساخته می‌شود. هنری که در این بنا به کار رفته است، از نقطه نظر نفس هنر ارزنده است اما از جنبه‌ی مردمی بودن هنری است بیگانه با خود. چه در کلیه نقوش و نوشته‌های کنده شده بر سنگها و

اهرام نیز بالا گرفت و اینک اهرام سه‌گانه یکی از آثار با عظمت تمدن گذشته‌ی مصر و از شاهکارهای هنر معماری بحساب می‌آید. آری هنراست و هیچ‌گونه شکی هم در آن نمیتوان کرد، اما به چه قیمتی این هنر بانجام رسیده است؟ حمل ۹۰۰ میلیون قطعه سنگ عظیم از فاصله ۹۰۰ کیلومتری بر روی دوش در تصور نیز نمی‌گنجد. همینطور هم معابد اشرافی سربلک سائیده گهر

تا به امروز شاهد براین مدعاست که هنر در خدمت اشراف، پس از خلق و پیدایش، دیگر هیچ ارتباطی با مردم نمی‌یابد. آرامگاهها، معابد، کلیساها و قصرهای سربلک کشیده، هر يك شاهکار است ارزنده و نفیس از هنر معماری بشر که در عین حال گویای بسیاری از رمز و رازهای پیچیده‌ی اجتماعی است. آفریدن چنین آثار پر عظمتی آنهم در شرایطی که صنعت و تکنولوژی در حد پائینی از رشد خود بوده و نیرو و ابزار عمده‌ی کار، نیروی بازوان انسانهای ستم کشیده و محروم جامعه بوده‌اند، ما را به این حقیقت می‌رساند که چه جنایات هولناکی در بوجود آمدن این آثار باشکوه انجام گرفته است. میلیونها نفر از بردگانی که اهرام سه‌گانه را ساختند، در زیر فشار قطعات سنگین سنگهایی که روی دوش حمل میکردند، له شدند و بموازات انباشته شدن جسد بردگان بر روی هم، ارتفاع

ورودی تالار پذیرائی (همکف)





گوشه‌ای از گنج‌بریه‌ای موجود در اطاق کار رضاخان

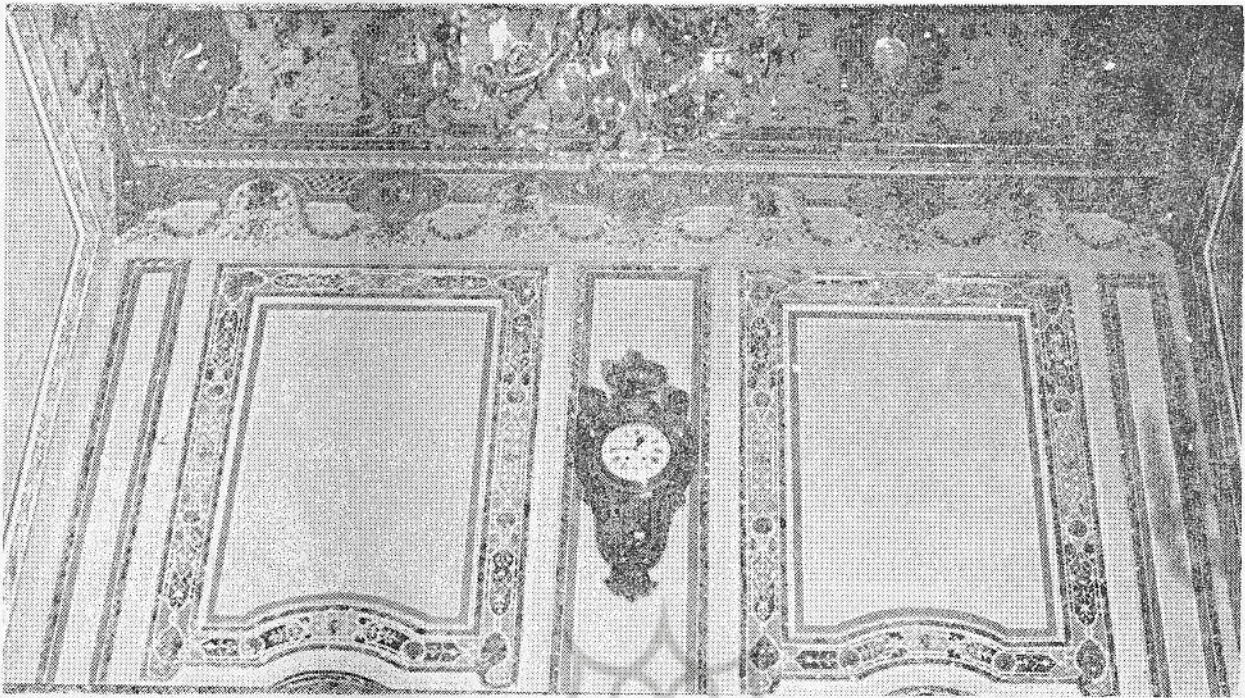
اختلاف عمیق در دو قطب مخالف رفاه و بی‌چیزی قرار داشته‌اند و هر آنچه اثری از هنر و زیبایی و رفاه داشته است مختص حکومتگران و اطرافیانشان بوده است و هر آنچه با سختی و مشقت و کار و بی‌چیزی توأم بوده است از آن مردمی که سرپناهی جز مشتی گل و خاک نداشته، بعضاً حتی از آن هم محروم بوده‌اند. — در عوض فتودالها و حکومتگران کاخها و قصرهای متعدد به منظور خوشگذرانی و عیاشی برپا می‌داشته‌اند که یک نمونه از این کاخها، کاخ شهوند است که در مجموعه‌ی کاخهای سعدآباد واقع شده است محدوددهی سعدآباد که در شمالی‌ترین، مرتفع‌ترین و خوش‌آب و هوایترین قسمت تهران، در مساحتی حدود ۴۰۰ هکتار واقع است، تنها کاخی از مجموعه‌ی کاخهای متعدد این خاندان در تهران و سایر شهرها بوده است. این مجموعه دارای جنگلی طبیعی (حدود ۱۸۰ هکتار)، چشمه‌سارها، باغستانها، گلخانه‌ها، موزستان و خیابانهای متعدد پوشیده از درخت و گل است. رودخانه‌ی جعفرآباد نیز از وسط محوطه عبور می‌کند. در این مجموعه حدود ۱۴ کاخ با تاسیسات جنبی مختلف ساخته شده که تعدادی از آنها در جریان

کتابخانه‌های آن، رابطه‌ای غیر انسانی و ظالمانه را بین حاکمان وقت و مردم بیان می‌کند. سراسر تاریخ شاهان انباشته از این بیعدالتی‌هاست و هر جا نیز که مردم پیاخته‌اند تا گوشه‌ای از حق مسلم خود را بگیرند با یورش وحشیانه‌ی قدرتمندان وقت روبرو گشته، از پای درآمده‌اند. گیومات‌مخ، مزدک، بابک، ابومسلم و... نمونه‌هایی از تیلور خروش مردم بر علیه زور، بر علیه ستم و استکباراند. اینست که نگرش بر عظمت و زیباییهای این آثار را، نباید بدور از روابطی که در آن زمان موجود بوده است، مورد بررسی قرار داد. چه این مردمنده که آفرینندگان هنر و تمدن هستند و هنر و تمدن نیز در رابطه با همین مردم معنی و مفهوم می‌یابد. موزه‌ی سبز نیز که قبل از انقلاب، کاخ شهوند یا سبز نامیده میشد، علی‌رغم ویژگیهای چشمگیر معماری آن که بیانگر معماری سنتی ایران است، نمیتواند مستثنی از مسئله‌ی بالا باشد و طبعاً جهت معرفی صحیح آن ابتدا لازم است مناسبات اجتماعی و رابطه‌ی را که با هنر در این مقوله می‌یابد، بررسی کرد، سپس به ارزشهای هنری بکار رفته در آن بنا پرداخت.

زمانی که رضاخان یکم استعمارگران انگلیسی قدرت را غصب کرد، بمنظور تحکیم پایه‌های قدرت خود سلطه‌ی جابراه‌ای را بر جامعه مستولی گرداند، سیستم اجتماعی در آن زمان فتودالیت، تحت استعمار انگلیس و رضاخان بعنوان نماینده‌ی امپریالیسم و فتودالیسم قدرت را در دست گرفته بود. در نظام فتودالی از آنجا که تمایز و اختلاف بین حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان بسیار زیاد است و استثمار و تحمیل و تحمیت از مسائل عادی به‌شمار می‌رود، هنر نیز رابطه‌ای ویژه با حکومتگران از یکسو و با مردم از سوی دیگر می‌یابد. همچنانکه در حکومتهای برده‌دار، بردگان بعنوان ابزار عمده‌ی کار در ساختن بناهای عظیم

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات

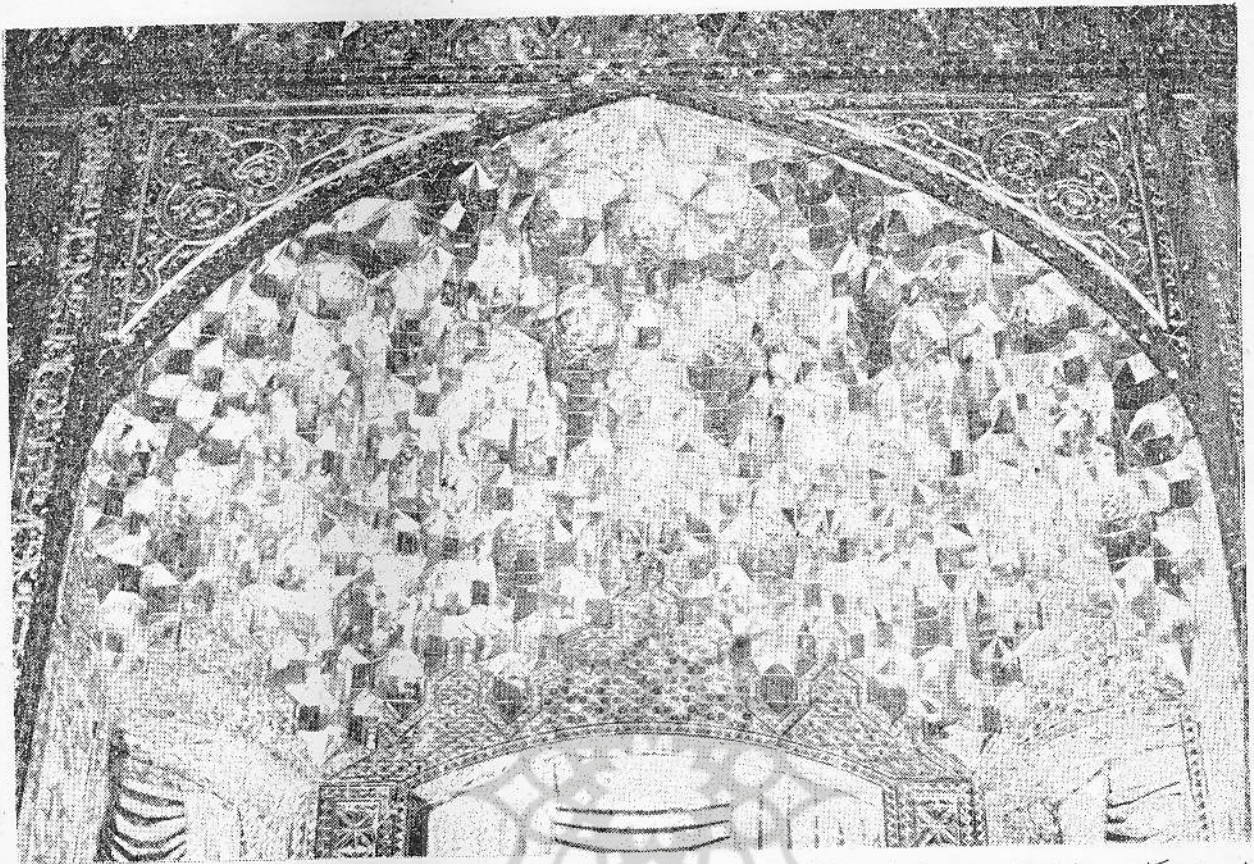
بکار گرفته میشدند، در این سیستم نیز مردم محروم جامعه — که اکثریت آنان را پیشه‌وران خردپا، کشاورزان و کارگران فصلی تشکیل میدادند — به‌کار ساختن قصرها و بناهای باشکوه برای شاهان مشغول میشدند. فتودالیسم هنر را فقط برای استفاده‌ی نمایندگان خود زینده می‌داند حتی اکثر روستاهایی که خان‌ها و ملاکین بزرگ مسکن و ماوایی هر چند بطور موقت داشته‌اند، مشاهده میکنیم که نوع معماری و طرح و نقشه‌ی خانه فتودال یا خان، تفاوتهای کلی و اساسی با کلبه‌های دود گرفته و خمیده‌ی دهقانان داشته و در شهر هم که کاخ‌نشینان و کوخ‌نشینان با یک



سردر ستونهای مرمر واقع در پله‌های ورودی کاخ و گوشه‌ای از سقف که بخوبی گچ‌بری روی آئینه، مشخص شده است.

در ورودی به تالار آئینه، با ستونهای مرمر که در جلو آن قرار دارد.





اطاق خواب واقع در طبقه اول - مقرنس آئینه کاری شده

فاصله تقریبی ۲۰۰ متر در سطحی بالاتر، بنا شده است که بمنزله‌ی اندرون بوده است و اکنون مخروبه‌ای از آن باقی است.

ساختمان کاخ سبز از نقطه نظر معماری و شیوه‌ی ساخت، تفاوت‌های اساسی با سایر کاخهای موجود در این مجموعه دارد. در این کاخ، رعایت اصول معماری سنتی با گنج‌بریهای زیبا و آینه‌کاریها و دیگر ظرافت‌کاریهایی که تماماً توسط استادان هنرمند ایرانی، ساخته شده است، از جهت حفظ ارزشهای اصیل معماری، ارزنده است.

این ساختمان بعد از اتمام، محل زندگی رضاخان بوده، در زمان پسرش، محمدرضا، از آن بعنوان عشرتکده‌ی خصوصی و مجالس آنچنانی و گاهی نیز جهت اقامت میهمانان خارجی استفاده میشده است، بنا به گفته‌ی پیشخدمت مخصوص این کاخ، هیچکس از نزدیکان شاه حق

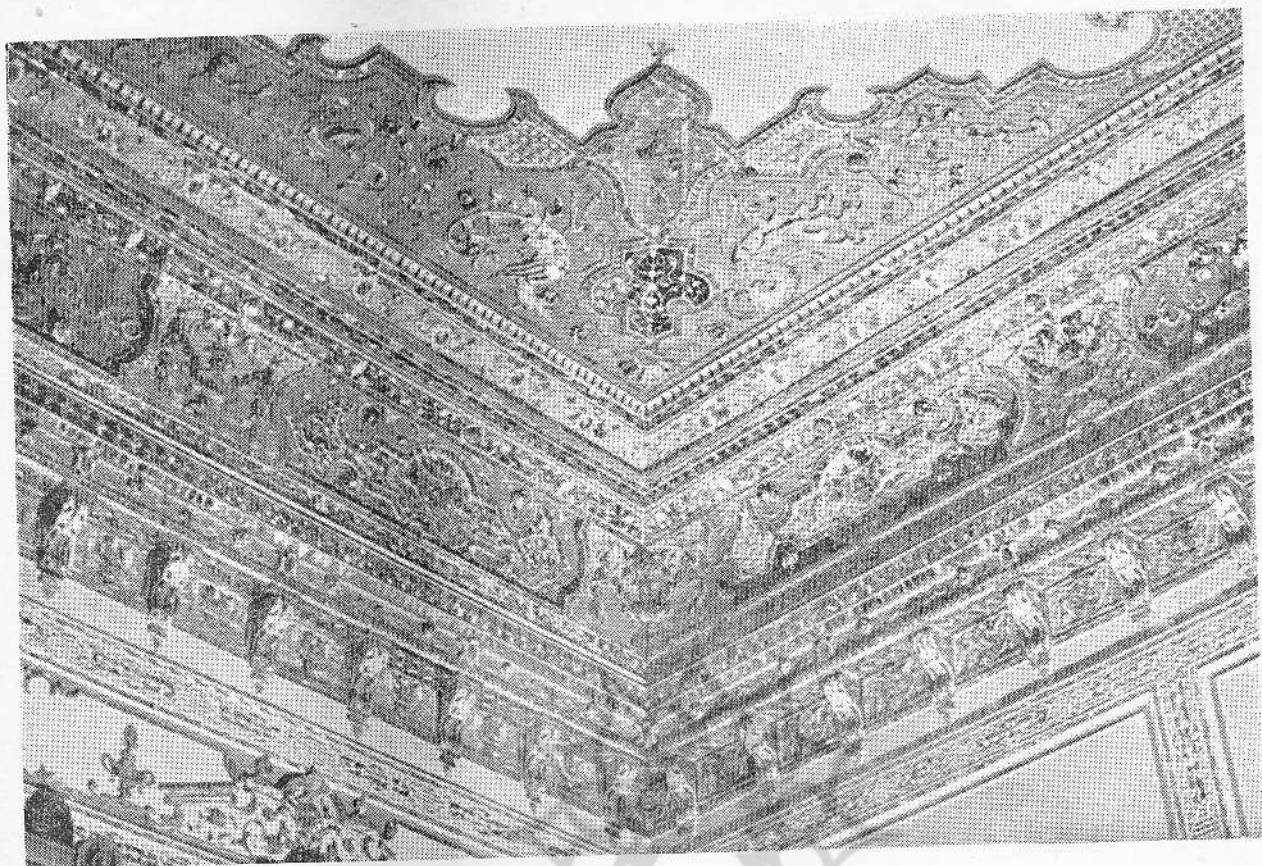
انقلاب نیمه‌کاره رها شده‌اند. هریک از این کاخها در مساحتی گسترده و با انواع و اقسام امکانات تفریحی مثل، استخر، مرداب، زمینهای بازی، باغ و... در اختیار یکی از نزدیکان شاه بوده است. از آنجا که به باور ما یکی از وظایف و تعهدات موزه‌ها، نگهداری و حفظ آثار هنرمندان این مرز و بوم است - هر چند چون ابزار جنایتی در دست شاهان بوده باشد - بر آنیم تا در حراست از این آثار کوشش جدی و همه‌جانبه کنیم. در این روند به معرفی تعدادی از این کاخها که پس از انقلاب شکوهمند خونبار مردمان تبدیل به موزه شد، امید است تا کلیه‌ی آنها به نهادهایی برای مردم و در جهت منافع مردم محروم مبدل گردد.

موزه‌ی سبز (کاخ شهوند)

حدود نیم‌قرن پیش از این در

قسمت شمال غربی میدان در بند بر روی تپه‌ای که به تپه‌ی علیخان «از فتودلهای معروف آترمان» معروف بوده است، واحه‌ای قرار داشته بنام سعدآباد. رضاخان حدود سال ۱۳۰۶ ه. ش. با گرفتن این تپه و مسطح کردن آن شروع به ساختمان کاخ شهوند میکند. محل احداث این کاخ مشرف به تمام منطقه سعدآباد و در بالاترین نقطه‌ی آن واقع شده است بشکلی که از مهتابی جنوبی‌اش چشم‌انداز محو تهران را از لابلای درختان انبوه و سر بفلک کشیده می‌توانستند ببینند.

همزمان با احداث این کاخ، ساختمان دیگری در ضلع شمالی آن به



هنر گچ کاری روی آئینه - اطاق پذیرائی، طبقه اول

در مورد تاریخچه‌ی اشیاء و لوازمی که در این ساختمان موجود است، در دست نیست و نیاز است تا کارشناسان کار آزموده در مورد این اشیاء که از جنبه‌ی هنری بسیار ارزنده است، با تحقیقات گسترده، اطلاعات دقیق و صحیح بدست دهند. سنگهای بکار رفته در نمای این ساختمان تماماً سبزرنگ و از معدنی در خمسه‌ی زنجان آورده شده و تماماً توسط استادان حجاری، استاد حسین زنجانی و استاد محمد علی با دست تراشیده شده است. سنگهای مرمر ساختمان را نیز از معادن مرمر یزد و بم آورده‌اند.

تا بحال گروههای بسیاری از خانواده‌های شهدا، نهادهای انقلابی، مدارس و... از موزه‌ی سبز (کاخ شهوند) و موزه‌ی ملت (کاخ سفید) در مجموعه‌ی فرهنگی سعدآباد بازدید بعمل آورده‌اند. موزه‌ی ملت در روز پنجم مردادماه ۱۳۶۰ جهت بازدید همگان افتتاح شد.

ورود به آنجا را نداشته است.

کلیه‌ی اشیاء فعلی داخل کاخ بغیر از فرشها، از اروپا در بین سالهای ۵۳-۵۴ آورده شده است. فرشها که در زمان رضاخان متناسب با ابعاد اطاقها تهیه شده، از نفیس‌ترین و ارزنده‌ترین قالی‌هایی است که توسط استادان و طراحان مشهور قالی بافی ایران از جمله عمو اوغلی در مشهد، بافته شده است. طرح ساختمان موزه‌ی سبز متشکل از دو طبقه است که یک طبقه‌ی آن زیرزمین است و دیگری طبقه‌ی اول یا ساختمان اصلی است که از یک تالار (تالار آینه)، اطاق پذیرایی، اطاق غذای خوری، اطاق کار و اطاق خواب تشکیل شده است. آنچه از نظر هنر معماری داخلی در این ساختمان جالب توجه است، آینه کاریها، گچ بریها، بویژه گچ بریهای روی آینه، مقرنس، کاسه سازی، خاتم کاری و تذهیب روی دیوار است که تماماً توسط استادان ایرانی از جمله جعفرخان کاشی،

غلامرضا قزوینی، حسین کاشی، غلامعلی مسگر، حسن رضایی، محمد گرایش‌نژاد، حسین لرزاده، میرزا عبدالله مذهب، حسین بیژن قلم، سید محمد صنیع خاتم و... ساخته شده است.

طبقه‌ی زیرین که از نظر تزئینات داخلی تفاوت‌های کمی با طبقه‌ی بالادارد، متشکل از یک تالار، یک اطاق غذاخوری و ۲ اطاق خواب مشابه است. بطور کلی این طبقه از نظر معماری در رابطه با طبقه‌ی بالا، ویژگیهای چندانی ندارد. گفتنی است که اطلاعات دقیق و مستندی